

کیفیت اقلام تعهدی و انتخاب حسابرس

بهمن بنی مهد*
رضا جعفری معافی**

چکیده

این پژوهش رابطه بین کیفیت اقلام تعهدی و انتخاب حسابرس در یک دوره ۵ ساله از سال ۱۳۸۶ الی ۱۳۹۰ در ۱۱۹ شرکت از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی می‌نماید. روش پژوهش همبستگی است. آزمون فرضیه‌ها با استفاده از رگرسیون لجستیک انجام شده است. نتایج حاصل این پژوهش نشان می‌دهد که اندازه صاحبکار، تغییر مدیریت و کیفیت اقلام تعهدی بر انتخاب موسسات بزرگ حسابرسی به عنوان حسابرس اثر گذار است. اما رابطه معنی‌داری بین نسبت اهرمی، سودآوری و گزارش زیان توسط شرکت مورد رسیدگی با انتخاب موسسات بزرگ حسابرسی وجود ندارد. هم چنین شواهد پژوهش نشان دهنده آن است که خصوصی سازی حرفه حسابرسی و وجود رقابت در این حرفه، موجب افزایش تغییر حسابرس در شرکتهای نمونه پژوهش گردیده و در شرکتهایی که کیفیت اقلام تعهدی پایین‌تری دارند، احتمال انتخاب موسسات بزرگ حسابرسی بیشتر از سایر موسسات است. واژه‌های کلیدی: انتخاب حسابرس، کیفیت اقلام تعهدی، رقابت در بازار حسابرسی و اندازه موسسه حسابرسی.

* استادیار مدعو گروه حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران دانشکده اقتصاد، نویسنده مسئول
Email: b-banimahd@yahoo.com

** دانشجوی دوره کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۳/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۹/۵

مقدمه

حسابرسان نقش غیر قابل انکاری در ارتقای کیفیت گزارشگری مالی به عهده دارند. وظیفه اعتبار بخشی حسابرسان در ارتقای قابلیت اعتماد و تایید اطلاعات حسابداری، وظیفه‌ای خطیر برای انعکاس سودمندی اطلاعات برای تصمیم‌گیری و ارزیابی وظیفه مباشرت مدیر محسوب شود. این وظیفه با تشکیل جامعه حسابداران رسمی و خصوصی سازی حرفه حسابداری اهمیت ویژه‌ای در نظام مالی کشور به خود گرفته است. پژوهش‌های گذشته نشان می‌دهند که با تشکیل جامعه حسابداران رسمی در کشور، رقابت در بازار حسابداری رونق گرفته و به دنبال آن تغییر حسابرس و انتخاب حسابرس جدید افزایش یافته است.

پدیده تغییر حسابرس، موجب قطع رابطه بین حسابرس و صاحبکار می‌شود. این قطع ارتباط، می‌تواند بنا به درخواست حسابرس باشد و یا صاحبکار. پژوهش‌های مربوط به تغییر حسابرس در پی پاسخ این سؤال هستند که چرا صاحبکار حسابرس خود را تغییر داده است؟ موضوع انتخاب حسابرس، هر چند به موضوع تغییر حسابرس در ارتباط است، اما پژوهش‌گران حسابداری آن را موضوعی متفاوت از تغییر حسابرس می‌شناسند. انتخاب حسابرس جدید، پدیده‌ای است که بعد از تغییر حسابرس رخ می‌دهد. مطالعات مربوط به انتخاب حسابرس، به دنبال پاسخ این سؤال هستند که چرا صاحبکار از میان موسسات مختلف حسابداری، یک موسسه خاص حسابداری را به عنوان حسابرس خود، انتخاب نموده است (Abidin, 2006).

تاکنون پژوهش‌های مختلفی درباره تغییر حسابرس در کشور انجام شده است. اما درباره انتخاب حسابرس پژوهش‌های محدودی انجام شده است. افزایش رقابت در بازار حسابداری کشور و در نتیجه افزایش انتخاب حسابرس و هم چنین فقدان پژوهش‌های کافی درباره انتخاب حسابرس این انگیزه را در نویسندگان این مقاله به وجود آورد که موضوع انتخاب حسابرس و کیفیت اقلام تعهدی را به عنوان یک موضوع پژوهشی انتخاب نمایند. انتظار می‌رود نتایج این پژوهش بتواند دستاورد و ارزش افزوده علمی به شرح زیر داشته باشد.

اولاً نتایج این پژوهش می‌تواند موجب گسترش مبانی نظری پژوهش‌های گذشته در ارتباط با انتخاب حسابرس در کشورهای در حال توسعه شود. ثانیاً شواهد پژوهش نشان

خواهد داد که خصوصی سازی حرفه حسابرسی و در پی آن افزایش انتخاب حسابرس، موجب ارتقای کیفیت گزارشگری مالی شده است یا خیر؟ این موضوع به عنوان یک دستاورد علمی می تواند اطلاعات سودمندی را در اختیار قانون گذاران حوزه بازار حسابرسی قرار دهد. ثالثاً نتایج پژوهش می تواند ایده های جدیدی برای انجام پژوهش های جدید در حوزه انتخاب حسابرس، پیشنهاد نماید.

پرسش اصلی این پژوهش آن است که تا چه اندازه انتخاب حسابرس بر کیفیت اطلاعات حسابداری تأثیرگذار است. هدف این مقاله آن است که نخست رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و انتخاب حسابرس را بیان نماید. هم چنین هدف دوم این پژوهش آن است تا تحلیل گران، استفاده کنندگان اطلاعات حسابداری، تدوین کنندگان استانداردهای حسابداری، جامعه حسابداران رسمی و سازمان بورس اوراق بهادار را از عوامل تعیین کننده انتخاب حسابرس، آگاه نماید. در ادامه، مبانی نظری، متغیرها و آزمون فرضیه های پژوهش مورد بررسی قرار می گیرد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مبانی نظری این پژوهش مبتنی بر دو فرضیه کیفیت اطلاعات و اندازه موسسه حسابرسی است. فرضیه کیفیت اطلاعات به این موضوع اشاره دارد که حسابرسی چگونه می تواند موجب بهبود کیفیت اطلاعات تهیه شده توسط مدیریت شرکت مورد رسیدگی شود. بر اساس این فرضیه، وظیفه حسابرس بهبود کیفیت اطلاعات حسابداری است. وظیفه ای که در نهایت موجب ارتقای سودمندی اطلاعات برای تصمیم گیری سرمایه گذاران، اعتبار دهندگان و سایر ذینفعان می شود. بر اساس این فرضیه هر چه کیفیت اطلاعات از طریق فرآیند حسابرسی افزایش یابد در آن صورت هزینه سرمایه، عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه نمایندگی کاهش می یابد. هم چنین بر اساس فرضیه اندازه موسسه حسابرسی، کیفیت اطلاعات حسابرسی شده در موسسات حسابرسی بزرگ نسبت به موسسات حسابرسی کوچک، بیشتر است. فرضیه اخیر به این نکته تأکید دارد که چون موسسات بزرگ حسابرسی، نیروی انسانی با تجربه و متخصص و هم چنین بودجه کافی برای خرید برنامه های حسابرسی و آموزش کارکنان در اختیار دارند، لذا اطلاعات حسابداری را با کیفیت بیشتری حسابرسی می نمایند (Azizkhani and et. al, 2010).

پژوهش‌های داخلی

بنی مهد (۱۳۹۰) عوامل موثر بر صدور گزارش مقبول در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی نمود. نتایج این پژوهش نشان داد خصوصی سازی حسابرسی، منجر به افزایش تغییر حسابرس در میان شرکتهای نمونه پژوهش شده است. هم زمان با افزایش در تغییر حسابرس، اظهار نظر مشروط در گزارشهای حسابرسی کاهش و در عوض، اظهار نظر مقبول افزایش یافته است. نتایج این پژوهش، نشان داد که هرچه رقابت و خصوصی سازی در بازار حسابرسی افزایش یابد، کیفیت حسابرسی کاهش می‌یابد (بنی مهد، ۱۳۹۰). در پژوهش دیگر، بنی مهد و وفایی (۲۰۱۲) در بررسی عوامل تعیین کننده انتخاب سازمان حسابرسی به عنوان حسابرس طی دوره زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۶، نشان دادند که متغیرهای اندازه شرکت مورد رسیدگی، سودآوری، مالکیت دولتی صاحبکار و نوع گزارش حسابرسی سال قبل از جمله عوامل تاثیرگذار بر انتخاب سازمان حسابرسی می‌باشند. به عقیده آنها خصوصی سازی حرفه حسابرسی، این انگیزه را در مدیران شرکتهای نمونه پژوهش به وجود آورده است تا برای دریافت گزارش مقبول حسابرسی، حسابرس خود را از میان موسسات خصوصی حسابرسی انتخاب نمایند (Banimahd and Vafaei, 2012).

نونهال فر و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیقی به بررسی رابطه بین کیفیت حسابرس و قابلیت اتکای اقلام تعهدی پرداختند و دریافتند که شرکت‌های حسابرسی شده توسط حسابرس با کیفیت بالاتر در مقایسه با شرکت‌های حسابرسی شده توسط حسابرس با کیفیت پایین تر، دارای ضریب پایداری اقلام تعهدی بیشتری بوده و در نتیجه قابلیت اتکای اقلام تعهدی بالایی دارند. حساس یگانه و آذین فر (۱۳۸۹) رابطه بین کیفیت حسابرسی و اندازه مؤسسه حسابرسی را مورد بررسی قرار داد. نتایج پژوهش او نشان داد بین اندازه مؤسسه حسابرسی و کشف تحریفات مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد. اما بین اندازه مؤسسه حسابرسی و کشف تحریفات در برآوردهای حسابداری، قوانین و تحریفات ناشی از اشتباه در به کارگیری رویه های حسابداری رابطه معناداری وجود ندارد. ابراهیمی کردلر و سیدی (۱۳۸۷)، در پژوهش خود نشان دادند که بین نوع حسابرس مستقل و مدیریت سود رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. آنها در این پژوهش، نوع حسابرس را به سازمان حسابرسی و موسسات حسابرسی بخش خصوصی

تقسیم‌بندی نمودند. نتایج پژوهش آن‌ها بیانگر آن بود، در مجموع شرکت‌هایی که توسط سازمان حسابرسی، حسابرسی می‌شوند، مدیریت سود کمتری دارند.

پژوهش‌های خارجی

نورالحق و همکاران (۲۰۱۲) رابطه بین قدرت اقتصادی دولت و انتخاب حسابرس را در ۴۶ کشور مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها نشان دادند که هر چه کیفیت دولت از نظر سیاسی و اقتصادی قوی باشد در آن صورت احتمال انتخاب ۴ موسسه بزرگ حسابرسی بیشتر است. آن‌ها هم چنین تایید نمودند در کشورهای قدرتمند اقتصادی که استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی را پذیرفته‌اند، انتخاب ۴ موسسه بزرگ حسابرسی بیشتر است. نتایج پژوهش آن‌ها تایید نمود که هر چه دولت یک کشور قوی‌تر باشد، تقاضا برای خدمات حسابرسی با کیفیت‌تر بیشتر است (Nurul Houqe and et. al, 2012).

وانگ و زین (۲۰۱۱) رابطه بین انتخاب حسابرس و کیفیت سود را در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار هنگ کنگ مورد مطالعه قرار دادند. آن‌ها دریافته‌اند شرکتهایی که حسابرس آن‌ها ۴ موسسه بزرگ حسابرسی هستند کیفیت سود بالاتری در مقایسه با سایر شرکت‌ها دارند. هم چنین نتایج پژوهش آن‌ها تایید نمود شرکتهایی که توسط موسسات حسابرسی کوچک، حسابرسی می‌شوند، سود خود را کمتر از واقع گزارش می‌کنند (Wang and Xin, 2012).

چن و همکاران (۲۰۱۰) در چین دریافته‌اند که موسسات حسابرسی چینی در مقایسه با موسسات خارجی، برای شرکت‌های وابسته به دولت، گزارش حسابرسی مقبول‌تری صادر می‌نمایند. آن‌ها هم چنین دریافته‌اند که برخی شرکتهای بعد از دریافت گزارش حسابرسی غیر مقبول، موسسات حسابرسی محلی را به عنوان حسابرس خود انتخاب می‌نمایند (Chen and et al., 2010). ژانگ و همکاران (۲۰۱۰) در بررسی رابطه سیاسی، شفافیت و انتخاب حسابرس دریافته‌اند شرکت‌هایی که شفافیت کمتری در افشاء دارند در مقایسه با سایر شرکت‌ها، موسسات حسابرسی کوچک و با کیفیت پایین را به عنوان حسابرس انتخاب می‌نمایند. هم چنین آن‌ها در پژوهش خود نشان دادند که شرکتهایی که مدیران آن‌ها افراد سیاسی هستند، معمولاً موسسات حسابرسی کوچک را به عنوان حسابرس خود انتخاب می‌نمایند (Zhang and et al. 2010). گودهامی و همکاران (۲۰۰۹) در بررسی انتخاب حسابرس در شرکت‌های خصوصی شده در ۳۲

کشور نشان دادند بعد از خصوصی شدن شرکت ها، در مقایسه با زمانی که مالکیت شرکت ها دولتی بود، تقاضا برای شرکت های بزرگ حسابرسی با کیفیت کار بالا کاهش می یابد. هم چنین آن ها تأیید کردند اگر در کشوری ارکان های نظام راهبری ضعیف باشد، در آن صورت این تقاضا نیز کمتر است (Guedhami and et al, 2009). لین و لیو (۲۰۰۹) در پژوهشی اثر نظام راهبری شرکت را بر انتخاب حسابرس مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آن ها نشان داد، شرکت هایی که نظام راهبری آن ها ضعیف است، موسسات حسابرس کوچک که کیفیت کار آن ها پایین تر از موسسات بزرگ است را به عنوان حسابرس انتخاب می نمایند. هم چنین آن ها دریافتند که هر گاه نظام راهبری در شرکت بهبود یابد، در آن صورت احتمال انتخاب موسسات بزرگ حسابرسی به عنوان حسابرس افزایش می یابد (Lin and Liu, 2009). چنا و همکاران (۲۰۰۹) طی پژوهشی از شرکت های تایوانی دریافتند که تغییر حسابرس با صدور گزارش حسابرسی مقبول رابطه ای مستقیم دارد. آن ها نشان دادند مدیران به منظور مطلوب نشان دادن عملکرد شرکت، حسابرس خود را تغییر می دهند تا به واسطه این تغییر، گزارش حسابرسی مقبول دریافت و به این روش، عملکرد شرکت را مطلوب جلوه دهند. در این پژوهش نشان داده شد که در سال های بعد، احتمال ورشکستگی این گونه شرکت ها بیشتر بوده است (Chena and et al. 2009). بروی و ویل (۲۰۰۸) در پژوهشی اثر نسبت اهرمی بر انتخاب حسابرس در ۱۰ کشور اروپایی را بررسی کردند. آن ها دریافتند در کشورهایی که الزامات افشای بیشتری برای حمایت از حقوق اعتباردهندگان وجود دارد، شرکت هایی که در آن ها نسبت اهرمی بیشتر است، موسسات حسابرسی بزرگ و با کیفیت کار بالا را به عنوان حسابرس انتخاب می نمایند (Broy and Weill , 2008). بیولی و همکاران (۲۰۰۸) در بررسی عدم انتخاب موسسه حسابرسی اندرسون به عنوان حسابرس، بعد از اعلام ورشکستگی ورشکستگی شرکت انرون، دریافتند برخی از شرکت ها که حسابرس آن ها موسسه حسابرسی اندرسون بوده است، قبل از دادخواهی علیه این موسسه در دادگاه، موسسه حسابرسی اندرسون را تغییر و موسسه دیگری را برای خود انتخاب کردند. اما اکثر شرکت ها، موسسه حسابرسی خود را از اندرسون به موسسه دیگر تغییر ندادند. آن ها دریافتند مدیران شرکتهایی که موسسه اندرسون را زودتر از سایر شرکتهای تغییر دادند، بلافاصله صورت های مالی خود را تجدید ارائه نمودند تا کیفیت صورت های

مالی خود ارتقاء بخشند. اما در شرکت هایی که موسسه اندرسون را دیرتر تغییر دادند، کیفیت صورت‌های مالی آن‌ها پائین‌تر از بقیه بود (Bewley and et al, 2008). برگر و هان (۲۰۰۷) اظهار می‌دارند شرکت‌هایی که سودآوری بالایی دارند تمایل بیشتری به پنهان کردن اطلاعات محرمانه خود دارند. بنابراین انگیزه بیشتری برای انتخاب حسابرسانی با کیفیت کار پایین خواهند داشت. البته مدیران شرکت‌های زیان‌ده نیز ممکن است بخواهند از طریق فریب حسابرس، عملکرد ضعیف شرکت را از دید سهامداران و سرمایه‌گذاران پنهان سازند (Berger, P. & Hann, 2007). عابدین (۲۰۰۶) در پژوهشی نشان داد شرکت‌های در حال رشد، موسسات حسابرسی بزرگ را انتخاب می‌نمایند. او هم چنین نشان داد شرکت‌هایی که نسبت اهرمی بالایی دارند، موسسات بزرگ حسابرسی را به عنوان حسابرس خود انتخاب نمی‌کنند. او به رابطه‌ای میان نظام راهبری و انتخاب حسابرس دست نیافت، اما نشان داد میان حق الزحمه حسابرسی و انتخاب حسابرس رابطه وجود دارد (Abidin, 2006).

متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته در این پژوهش، انتخاب حسابرس می‌باشد. این متغیر، یک متغیر مجازی است که با مقادیر صفر و یک نشان داده می‌شود. مقدار یک برای شرکت‌هایی که حسابرس خود را یک موسسه حسابرسی بزرگ انتخاب کرده‌اند و مقدار صفر برای شرکت‌هایی که سایر مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی را به عنوان حسابرس خود انتخاب نموده‌اند. موسسات بزرگ، موسساتی هستند که تعداد کارکنان آن‌ها بیش از ۲۰۰ نفر باشند در نتیجه در بازار حسابرسی ایران موسسات بزرگ حسابرسی شامل سازمان حسابرسی و موسسه حسابرسی مفید راهبر می‌باشد. هم چنین متغیرهای مستقل پژوهش شامل کیفیت ارقام تعهدی، اندازه صاحبکار (شرکت مورد رسیدگی)، نسبت اهرمی، گزارش زیان توسط شرکت، سودآوری صاحبکار و تغییر مدیریت می‌باشند. از میان متغیرهای مستقل، گزارش زیان توسط شرکت و تغییر مدیریت، متغیرهای مجازی هستند که با مقادیر یک و صفر نشان داده می‌شوند. در ادامه چگونگی اندازه‌گیری متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود. کیفیت ارقام تعهدی: این متغیر شاخص کیفیت اطلاعات حسابداری است. این شاخص از مدل فرانسیس و همکاران (۲۰۰۵) به شرح زیر به دست می‌آید.

معادله شماره ۱

$$TCA_{j,t} = \alpha_0 + \alpha_1 CFO_{j,t-1} + \alpha_2 CFO_{j,t} + \alpha_3 CFO_{j,t+1} + \alpha_4 \Delta REV_{j,t} + \alpha_5 PPE_{j,t} + \varepsilon_{j,t}$$

TCA: مجموع ارقام تعهدی شرکت که از رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$TCA = (\Delta CA - \Delta Cash) - (\Delta CL - \Delta STDEBT) - DEP$$

معادله شماره ۲

CFO: جریان وجه نقد عملیاتی که از طریق سود خالص قبل ارقام غیر مترقبه منهای مجموع ارقام تعهدی (TA) بدست می‌آید.

ΔREV : تغییر در درآمد فروش

PPE: اموال، ماشین آلات و تجهیزات

ΔCA : تغییر در دارائیهای جاری

ΔCL : تغییر در بدهیهای جاری

$\Delta Cash$: تغییر در وجه نقد

$\Delta STDEBT$: تغییر در ذخیره مالیات، بهره پرداختنی و سود سهام پرداختنی

DEP: هزینه استهلاک

مبانی نظری مدل بالا بر این نکته استوار است که ارقام تعهدی سرمایه در گردش (TCA) باید جریان نقدی عملیاتی (CFO) دوره قبل، جاری و بعد را توضیح دهد. مقادیر خطای مدل (ε_i) حاصل از رگرسیون ارقام تعهدی نشان دهنده مدیریت سود یا کیفیت سود است. هرچه انحراف معیار اندازه مقادیر خطای مدل کمتر باشد، کیفیت ارقام تعهدی و در نتیجه کیفیت اطلاعات حسابداری بالاتر است. بنابراین انحراف معیار مقادیر خطای مدل بالا (ε_i) برای پنج سال گذشته به عنوان متغیر مستقل در این پژوهش در نظر گرفته شده است (Francis and et al. 2005). در این پژوهش همه متغیرهای مدل بالا بر جمع دارایی‌ها در اول دوره تقسیم شده است. از این مدل برای اندازه‌گیری کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت اطلاعات حسابداری توسط پژوهش‌گران داخلی و خارجی استفاده شده است. اندازه صاحبکار: یک متغیر نسبی است که اندازه و بزرگی شرکت را نشان می‌دهد. این متغیر بر اساس لگاریتم طبیعی فروش هر شرکت در هر سال اندازه‌گیری می‌شود. زیان‌ده بودن شرکت: یک متغیر مصنوعی است که با یک و صفر نشان داده می‌شود. اگر شرکت مورد رسیدگی در یک سال زیان گزارش کرده باشد، مقدار آن یک و در غیر این صورت مقدار آن صفر است.

تغییر مدیریت: یک متغیر مصنوعی است که با یک و صفر نشان داده می‌شود. اگر مدیر عامل یا اعضای هیئت مدیره شرکتی در یک سال تغییر یافته باشند، در آن صورت مقدار آن یک و در غیر آن صورت مقدار آن صفر است.

نسبت اهرمی: عبارتست از نسبت بدهی به دارایی‌های یک شرکت که نشان دهنده ریسک مالی یک شرکت نیز می‌باشد.

سودآوری: عبارت است از نسبت سود خالص به جمع دارایی‌ها. این نسبت نشان می‌دهد که مدیریت چگونه با استفاده از دارایی‌ها بدون توجه به محل تأمین مالی آن‌ها سود کسب کرده است.

جامعه و نمونه آماری پژوهش

قلمرو مکانی پژوهش، شامل شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. قلمرو زمانی این پژوهش از ابتدای سال ۱۳۸۶ تا پایان سال ۱۳۹۰ (یک دوره پنج ساله) تعیین شده است. اما از آنجائیکه برای محاسبه انحراف معیار مقادیر خطای مدل کیفیت اقلام تعهدی باید ۵ سال به عقب برگردیم، از این رو داده‌های سال‌های ۱۳۸۰ به بعد مورد استفاده قرار گرفته است. روش پژوهش، از نوع پژوهش همبستگی است. داده‌ها و اطلاعات پژوهش از روی صورتهای مالی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که در پایگاه الکترونیکی سازمان بورس و اوراق بهادار قرار دارد، استخراج گردیده است. آزمون فرضیه‌ها نیز بر اساس روش رگرسیون لجستیگ انجام می‌شود. هم چنین نمونه آماری پژوهش حاضر، شامل شرکتهایی است که از شرایط زیر برخوردار باشند:

- ۱- شرکت از سال ۱۳۸۰ به بعد در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشند.
 - ۲- جزء شرکتهای تخصصی سرمایه گذاری و بانکی نباشد، زیرا این شرکتهای ماهیت و زبانه بندی اقلام صورتهای مالی متفاوتی دارند.
 - (۱) دوره مالی آنها پایان اسفند ماه باشد.
 - (۲) داده‌های آنها در دسترس باشد.
- با توجه به شرایط فوق، تنها ۱۱۹ شرکت (۵۸۷ مشاهده) شرایط مذکور را دارا بودند و لذا آنها به عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب شدند.

فرضیه‌های پژوهش

تبا توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهشو هم چنین در راستای اهداف پژوهش، فرضیه‌های این پژوهش به صورت زیر بیان می‌شوند:

فرضیه اول: میان کیفیت اقلام تعهدی و انتخاب موسسات بزرگ حسابرسی به عنوان حسابرس رابطه معنی دار وجود دارد.

فرضیه دوم: میان اندازه‌ی شرکت و انتخاب موسسات بزرگ حسابرسی به عنوان حسابرس رابطه معنی دار وجود دارد.

فرضیه سوم: میان نسبت اهرمی و انتخاب موسسات بزرگ حسابرسی به عنوان حسابرس رابطه معنی دار وجود دارد.

فرضیه چهارم: میان گزارش زیان توسط شرکت و انتخاب موسسات بزرگ حسابرسی به عنوان حسابرس رابطه معنی دار وجود دارد.

فرضیه پنجم: میان سودآوری شرکت و انتخاب موسسات بزرگ حسابرسی به عنوان حسابرس رابطه معنی دار وجود دارد.

فرضیه ششم: میان تغییر مدیریت شرکت و انتخاب موسسات بزرگ حسابرسی به عنوان حسابرس رابطه معنی دار وجود دارد.

آماره‌های توصیفی پژوهش

آماره‌های توصیفی پژوهش در جدول شماره ۱ و ۲ آورده شده است. جدول شماره ۱ آماره‌های توصیفی متغیرهای کمی پژوهش و جدول شماره ۲ متغیرهای کیفی پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱. آماره‌های توصیفی متغیرهای کمی

شرح	نسبت اهرمی	سودآوری	کیفیت اقلام تعهدی	فروش - میلیون ریال	شاخص مدیریت سود
تعداد مشاهده	۵۸۷	۵۸۷	۵۸۷	۵۸۷	۵۸۷
میانگین	۰/۶۵۵۶۸۸	۰/۱۳۵۵۷۹	۰/۰۵۶۹۵۷۸	۳۳۶۷۳۶۱/۹۳	۰/۰۱۲۶۵۹
میانه	۰/۶۴۴۶۸۱	۰/۱۰۹۱۸۵	۰/۰۴۳۸۱۲۰	۴۸۹۰۵۶	۰/۰۱۵۱۷۰
انحراف معیار	۰/۳۷۹۵۹۱۷	۰/۱۸۳۲۹۰۶	۰/۰۵۴۹۰۴۶۳	۳۳۷۲۷۷۰۰/۲۰۱	۰/۰۹۷۱۵۵۸
حداقل	۰/۰۶۱۹	-۰/۳۲۷۴	۰/۰۰۱۲۹	۱۸۸۳۰	-۰/۹۲۱۳
حداکثر	۵/۹۰۵۲	۲/۷۹۰۳	۰/۵۲۳۵۸	۸۰۳۰۶۷۵۲۸	۰/۴۲۶۰

جدول ۲. آماره‌های توصیفی متغیرهای کیفی

گزارش زیان		تغییر مدیریت		انتخاب حسابرس		سال
گزارش زیان	عدم گزارش زیان	تغییر مدیریت	عدم تغییر مدیریت	موسسات بزرگ حسابرسی	موسسات کوچک حسابرسی	
۳	۱۱۲	۲	۱۱۳	۳۳	۸۲	۸۶
۲	۱۱۷	۳۶	۸۳	۳۰	۸۹	۸۷
۳	۱۱۵	۰	۱۱۸	۳۰	۸۷	۸۸
۱۲	۱۰۷	۳۰	۸۹	۲۸	۹۱	۸۹
۱۶	۱۰۰	۴	۱۱۲	۹۶	۹۰	۹۰
۳۶	۵۵۱	۷۲	۵۱۵	۱۴۷	۴۳۹	جمع

آزمون فرضیه‌ها

با توجه به نتایج حاصله از جدول شماره ۳ می‌توان اظهار داشت که متغیرهایی که میزان سطح اهمیت آنها پایین‌تر از پنج درصد است، یعنی متغیر کیفیت اقلام تعهدی، اندازه صاحبکار و تغییر مدیریت با انتخاب موسسات بزرگ حسابرسی به عنوان حسابرس در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معنی‌دار دارند. بنابراین فرضیه‌های اول، دوم و ششم تأیید می‌گردند. اما از آنجائیکه مقدار سطح اهمیت متغیر نسبت اهرمی، سودآوری و زیانده بودن شرکت بیش از ۵ درصد است، لذا میان این متغیرها با انتخاب موسسات بزرگ حسابرسی به عنوان حسابرس رابطه معنی‌داری وجود ندارد. از این رو فرضیه‌های سوم تا پنجم تأیید نمی‌شود.

جدول ۳. نتایج آزمون فرضیه‌ها

متغیرها	ضرایب	انحراف استاندارد	آماره والد	درجه آزادی	سطح معنی داری	ضرایب مورد انتظار
عرض از مبدأ	-۹/۰۷۲	۱/۳۵۰	۴۵/۱۹۱	۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	۰/۴۹۹	۰/۰۹۵	۲۷/۶۸۵	۱	۰/۰۰۰	۱/۶۴۷
نسبت اهرمی	-۰/۰۳۱	۰/۲۹۰	۰/۰۱۱	۱	۰/۹۱۶	۰/۹۷۰
زیان ده بودن شرکت	-۰/۳۵۲	۰/۰۵۹	۰/۳۵۵	۱	۰/۵۵۱	۰/۷۰۳
سودآوری	۰/۷۹۷	۰/۶۰۷	۱/۷۲۷	۱	۰/۱۸۹	۲/۲۱۹
تغییر مدیریت	-۱/۰۳۸	۰/۴۶۴	۵/۰۰۸	۱	۰/۰۲۵	۰/۳۵۴
کیفیت اقلام تعهدی	۸/۱۷۶	۲/۰۶۶	۱۵/۶۵۷	۱	۰/۰۰۰	۳۵۵۳/۸۴

مدل انتخاب حسابرس

در این قسمت با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیه، آزمون مربوط به تدوین مدل انتخاب حسابرس برای کل شرکتهای نمونه آماری، انجام می شود. در بخش قبل مشخص شد که متغیرهای کیفیت اقلام تعهدی، اندازه شرکت و تغییر مدیریت با انتخاب حسابرس رابطه معنی داری دارند و بر آن تاثیر گذار هستند. در جدول ۳، ضرایب مربوط به هر یک از متغیرهای مستقل را مشخص شده است. بنابراین مدل انتخاب موسسات بزرگ حسابرسی به عنوان حسابرس به صورت زیر از جدول ۳ استخراج می گردد:

$$Y = -9/072 + 8/176X_1 + 0/499X_2 - 1/038 X_3$$

که در آن:

Y = انتخاب حسابرس می باشد که در صورت انتخاب موسسات بزرگ حسابرسی به عنوان حسابرس مقدار ۱ و در غیر این صورت برابر صفر خواهد بود

X_1 = کیفیت اقلام تعهدی

X_2 = اندازه هر شرکت در هر سال که عبارت است از لگاریتم طبیعی فروش

X_3 = تغییر شرکت مورد رسیدگی

آزمون‌های مربوط به اعتبار مدل

آزمون کای دو

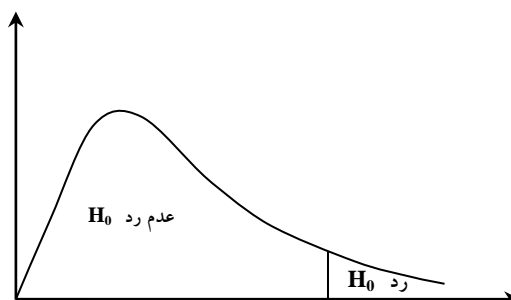
فرض معنی داری مدل به صورت زیر نوشته می شود:

H_0 = مدل معنی داری وجود دارد.

H_1 = مدل معنی دار وجود ندارد.

$$\begin{cases} H_0 : \beta_1 = \beta_2 = \beta_3 = \beta_4 \quad i \neq j = 1,2,3,4,\dots \\ H_1 : \beta_i \neq \beta_j \end{cases}$$

مقدار آماره آزمون کای دو (chi-square) بر اساس جدول زیر برابر با ۱۶۰/۹۱۶ است. همان گونه که در شکل زیر دیده می شود در ناحیه عدم رد فرض صفر قرار داشته و سطح معنی داری آن زیر ۵ درصد است. بنابراین فرض صفر، مبنی بر وجود یک مدل معنی دار رد نمی شود.



جدول ۴. آماره کای دو

سطح معنی داری	درجه آزادی	آماره کای دو	مراحل
۰/۰۰۰	۱۳	۱۶۰/۹۱۶	Step
۰/۰۰۰	۱۳	۱۶۰/۹۱۶	Block
۰/۰۰۰	۱۳	۱۶۰/۹۱۶	Model

ضریب تعیین کاکس - اسنل

در روش رگرسیون چند متغیره، ضریب تعیین (R^2) میزان تغییرات متغیر وابسته بر اثر متغیر مستقل را نشان می‌دهد. در پژوهش حاضر چون از روش رگرسیون لجستیک استفاده می‌شود. ضریب تعیین کاکس - اسنل همان نقشی را ایفا می‌کند که R^2 در رگرسیون چند متغیره ایفا می‌نماید. یعنی مقدار ضریب تعیین کاکس - اسنل نشان دهنده میزان وابستگی میان متغیر وابسته به متغیرهای مستقل را نشان می‌دهد. با توجه به جدول ۵ میزان این شاخص برابر ۲۴ درصد است. این میزان در رگرسیون لجستیک، ضریب تعیین مناسبی است.

جدول ۵. ضریب تبیین

Nagelkerke R Square	Cox & Snell R Square	-2 Log likelihood
۰/۳۵۵	۰/۲۴	۴۹۹/۲۳۸

درصد پیش‌بینی مدل

نتایج حاصل از جدول آماره‌های توصیفی زیر مبین این واقعیت است که درصد پیش‌بینی مدل در سطح ۸۳/۱ درصد است. از آنجا که در روش رگرسیون لجستیک باینری، درصد پیش‌بینی مدل باید بالای ۵۰ درصد باشد تا قابل قبول باشد. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که درصد پیش‌بینی مدل در پژوهش حاضر مناسب است.

جدول ۶. درصد پیش‌بینی مدل

پیش‌بینی		مشاهدات	
درصد پیش‌بینی	انتخاب حسابرس		
		موسسه خصوصی	سازمان حسابرسی
۹۵	۴۱۷	۲۲	موسسه کوچک
۴۷/۶	۷۷	۷۰	موسسه بزرگ
۸۳/۱			درصد کلی

هم‌خطی میان متغیرهای مستقل

معمولاً هم‌حرکتی و یا هم‌خطی میان متغیرهای مستقل وجود دارد. اما اگر این هم‌خطی زیاد باشد، مدل مناسب نخواهد بود. یکی از روش‌های آزمون هم‌خطی

محاسبه ماتریس همبستگی است. در این ماتریس ضریب همبستگی بین هر زوج از متغیرهای مستقل محاسبه می‌شود. عدم همبستگی متغیرهای مستقل به معنای این است که ضریب همبستگی بین هر زوج از متغیرهای مستقل مساوی صفر است. اما در عمل بدست آوردن ضریب همبستگی صفر ممکن نیست و به عنوان یک قاعده می‌توان ضرایب همبستگی کمتر از ۵۰ درصد بین هر زوج متغیرهای مستقل را قابل قبول دانست و نگران وجود هم خطی نبود. در این پژوهش چون تمام ضرایب برآورد شده معنی‌دار و قابل تفکیک پذیر هستند، بیانگر این موضوع است که هم‌حرکتی میان متغیرهای مستقل مدل حاد نیست. میزان نوسانات هم‌خطی میان متغیرهای مستقل مدل در جدول ۷ آورده شده است. این جدول نشان می‌دهد که هر زوج از متغیرهای مستقل دارای هم‌خطی حاد نیستند.

جدول ۷. نتایج هم خطی

متغیرها	اندازه شرکت	نسبت اهرمی	گزارش زیان	سودآوری	تغییر مدیریت	کیفیت اقلام تعهدی
اندازه شرکت	۱	-۰/۰۵۶	-۰/۰۳۷	-۰/۰۱۵	-۰/۱۰۹	-۰/۰۸۹
نسبت اهرمی		۱	۰/۲۳۴	-۰/۰۲۲	-۰/۰۱۸	۰/۱۸۳
گزارش زیان			۱	-۰/۳۴	۰/۰۱۳	۰/۱۱۶
سودآوری				۱	-۰/۰۱۱	۰/۰۸۹
تغییر مدیریت					۱	-۰/۰۲۳
کیفیت اقلام تعهدی						۱

نتایج پژوهش

نتایج حاصل از آزمون فرضیه نشان می‌دهد که عوامل تعیین کننده انتخاب موسسات بزرگ حسابرسی به عنوان حسابرس، عبارتند از کیفیت اقلام تعهدی، اندازه شرکت و تغییر مدیریت. از میان متغیرهای بالا، کیفیت اقلام تعهدی و اندازه شرکت رابطه‌ای مستقیم با انتخاب موسسات بزرگ حسابرسی به عنوان حسابرس دارند و تغییر مدیریت رابطه‌ای منفی و معکوس با انتخاب موسسات بزرگ حسابرسی دارد. از میان متغیرهای بالا، کیفیت اقلام تعهدی شدیدترین رابطه را با انتخاب موسسات بزرگ حسابرسی دارد. هر گاه انحراف معیار شاخص مدیریت سودافزایش یابد، احتمال آن که موسسات

بزرگ حسابرسی به عنوان حسابرس انتخاب شود برابر ۸/۱۷۶ خواهد بود. بالا بودن انحراف معیار شاخص مدیریت سود بیانگر پایین بودن کیفیت اقلام تعهدی می‌باشد. بنابراین اگر حسابرس شرکتی یک موسسه بزرگ حسابرسی باشد، کیفیت اقلام تعهدی پایین و در نتیجه کیفیت گزارشگری مالی کاهش می‌یابد. این موضوع می‌تواند به علت وجود بازار رقابتی در حرفه حسابرسی باشد از طرفی نیز صاحبکاران به اجبار باید موسسات بزرگ حسابرسی را انتخاب نمایند. بعد از تشکیل جامعه حسابداران رسمی و گسترش موسسات خصوصی، رقابت میان موسسات بزرگ حسابرسی و موسسات خصوصی افزایش یافته است. از این رو می‌توان استدلال نمود، رقابت در بازار حسابرسی موجب کاهش کیفیت حسابرسی در موسسات حسابرسی بزرگ شده است. این موضوع مغایر با فرضیه اندازه موسسه حسابرسی است. مطابق این فرضیه کیفیت اطلاعات حسابرسی شده در موسسات حسابرسی بزرگ نسبت به موسسات حسابرسی کوچک، بیشتر است. اما نتایج این پژوهش، این فرضیه را تایید نمی‌نماید. هم چنین اندازه شرکت مورد رسیدگی رابطه‌ای مستقیم با انتخاب موسسات بزرگ حسابرسی به عنوان حسابرس دارد. یعنی هر چه اندازه شرکت‌ها بزرگ‌تر باشد در آن صورت احتمال انتخاب موسسات بزرگ حسابرسی به عنوان حسابرس بیشتر می‌شود. اگر اندازه شرکت‌ها یک واحد افزایش یابد در آن صورت احتمال آن که موسسات بزرگ حسابرسی به عنوان حسابرس انتخاب شود برابر ۰/۴۹۹ واحد افزایش خواهد یافت. تغییر مدیریت شرکت بیشترین اثر منفی را بر انتخاب موسسات بزرگ حسابرسی به عنوان حسابرس دارد. اگر مدیریت شرکت تغییر کند احتمال آنکه موسسات بزرگ حسابرسی به عنوان حسابرس انتخاب شوند ۱/۰۳۸ واحد کاهش می‌یابد. هم چنین نتایج پژوهش نشان می‌دهد که رابطه‌ای بین سودآوری شرکت، نسبت بدهی و زیان ده بودن شرکت با انتخاب موسسات بزرگ حسابرسی به عنوان حسابرس وجود ندارد. بر اساس نتایج حاصل از پژوهش، می‌توان توجه تدوین کنندگان مقررات در حوزه بازار حسابرسی را به این نکته جلب نمود که رقابت در بازار حسابرسی، موجب کاهش کیفیت حسابرسی در موسسات بزرگ حسابرسی شده است. بنابراین لازم است تمهیدات لازم برای آسیب‌شناسی دقیق موضوع و ارتقاء کیفیت حسابرسی چنین موسساتی فراهم آید. هم چنین از آنجائیکه تئوری جامع و کاملی برای انتخاب

حسابرس در متون حسابرسی وجود ندارد. از این رو به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود تا در تحقیقات آتی موضوعات انتخاب اختیاری و اجباری حسابرس، اثر نظام راهبری، اثر حق الزحمه حسابرس و اثر همسویی منافع حسابرس و مدیریت بر انتخاب حسابرس را مورد بررسی قرار دهند.

منابع و مأخذ

۱. ابراهیمی کرد لر، علی و سید عزیز سیدی (۱۳۸۷) نقش حسابرسان مستقل در کاهش اقلام تعهدی اختیاری، فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۵، ۵۴، صص ۱۶ - ۳.
۲. بنی مهد، بهمن (۱۳۹۰) بررسی عوامل تأثیرگذار بر اظهارنظر مقبول حسابرس، فصلنامه بورس اوراق بهادار ۱۳، سال چهارم. صص ۸۳ - ۵۹.
۳. حساس یگانه، یحیی و کاوه آذین فر (۱۳۸۹) رابطه بین کیفیت حسابرسی و اندازه موسسه حسابرس، بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۷، ۶۱، صص ۹۸ - ۸۵.
۴. نونهال فر، علی اکبر، سعید جبارزاده کنگر لویی و یعقوب پور کریم (۱۳۸۹) رابطه بین کیفیت حسابرس و قابلیت اتکای اقلام تعهدی، فصلنامه بررسی های حسابداری ۳ دوره ۱۷. صص ۷۰ - ۵۵.
5. Abidin Shamharir (2006) " Audit Market Concentration and Auditor Choice in the UK" Department of Accounting & Finance , University of Stirling, Ph.D Dissertation, PP. 5-6
6. Azizkhani Masoud, Gary S. Monroeb and Greg Shailer(2010) The value of Big 4 audits in Australia, Accounting and Finance 50 , PP. 743-766
7. Banimahd, B. Vafaei, E (2012), the effect of client size , audit report , state ownership , financial leverage and profitability on auditor selection; evidence from Iran, African Journal of Business Management. Vol 6, no 3, pp 4100-4105
8. Berger, P. & Hann, R. (2007), 'Segment profitability and the proprietary and agency costs of disclosure'. The Accounting Review, Vol. 82, No. 4, pp. 869-906.
9. Bewley K, Chung J, McCracken S (2008). An examination of Auditor Choice Using Evidence from Andersen's Demise. International Journal of Auditing, Vol. 12, Issue 2, pp. 89-110
10. Broye, G., and Weill, L., 2008, Does leverage influence auditor choice? A cross-country analysis, journal of Applied Financial Economics, No.18, P 715-731.
11. Chena Ching - Lung, Gili Yenb and Fu-Hsing Chang (2009) Strategic auditor switch and financial distress prediction – empirical findings from the TSE-listed firms, Applied Financial Economics, No 19, pp 59-72.
12. Chen Charles J P , Xijia Su, Xi Wu.(2010) Auditor Changes Following a Big 4 Merger with a Local Chinese Firm: A Case Study, Auditing.. Vol. 29, Iss. 1; pg. 41, 32.
13. Francis, J., R. LaFond, P. Olsson and K. Schipper (2005), 'The Market Pricing of Accruals Quality', Journal of Accounting and Economics, Vol. 39, pp. 295-327.
14. Guedhami, O., Pittman, J.A and W. Saffar (2009), Auditor Choice in Privatized Firms: Empirical Evidence on the Role of State and Foreign Owners, Journal of Accounting & Economics, vol. 48, pp. 151-171.